



علی فلاهی - زهرا طیبی

گروه سیاسی

مس‌ادر عصری زندگی می‌کنیم که اهمیت چگونگی «روایت» رخدادها و فرآیندها و پدیده‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و... کمتر از خود این موارد نیست. شاید خود این اتفاقات باشند که تیر یک روزنامه‌ها می‌شوند و در صدر اخبار جای بگیرند اما این روزها آنقدر سرعت تحولات مختلف بالاست که مدت کوتاهی لازم است تا این رخدادها آهسته‌آهسته از «خبر» به بخشی «تاریخ» تبدیل شوند. آنجاست که حجم زیاد اتفاقات و سرعت بالای تحولات چنان حجاب معاصرتی روی حوادث می‌کشند که حتی افرادی که روزی مخاطب آن اخبار بوده‌اند و آن حوادث را بدون واسطه لمس کرده و آن پدیده‌ها را زیسته‌اند برای یادآوری کامل همه ابعاد ماجرا دست‌نیاز سوی روایت‌ها دراز می‌کنند. اینجاست که روایت، قدرت خود را به رخ می‌کشد و نشان می‌دهد که سلطه اخبار چقدر زودگذر است و این روایت‌ها هستند که مرجع تاریخی قرار می‌گیرند. اما به‌همان میزانی که تحولات و رخدادها متکثر و پیچیده شده‌اند ارویان نیز با قدرت روزافزونی که آن‌را مروهن پیشرفت رسانه‌ها هستند رشد کرده‌اند. دیگر زمانی که «تاریخ را فاتحان می‌نوشتند» گذشته است. با گسترش بی‌وقفه رسانه‌های گوناگون در پلتفرم‌های مختلف، عصر انحصار روایت‌ها از حوادث و پدیده‌های مهم به اتمام رسیده است و اکنون روایان مختلف بسته به میزان توان رسانه‌ای خود هر یک در شکل‌گیری نهایي تاریخ نقش مخصوص به خود را ایفا می‌کنند. اما طبیعی است که این روایت‌ها قرار نیست یکسان باشند یا حتی فراتر از آن، متناقض یکدیگر نباشد. خصوصا وقتی که «روایت» با منافع سیاسی گره خورده باشد. این تکرر روایان و این تناقض‌ها خود منجر به شکل‌گیری عرصه‌نبرد نرم جدیدی شده است که از آن به‌عنوان جنگ روایت‌ها یاد می‌شود. روایت‌هایی که به نیابت از روایان و ذی‌نفعان شان برای تصرف هرچه بیشتر ذهن‌های مخاطبان و شنوندگان امروز فردای تاریخ با یکدیگر درگیر می‌شوند. تاریخ شفاهی یکی از ابزارهای مهم و تعیین‌کننده در عرصه این درگیری‌ها است. در زمانی که روایت‌های متعدد گوناگون وجود دارند، تاریخ شفاهی ارتباط مستقیم باشاهدان دست‌اول و بدون واسطه وقایع و پدیده‌ها را به‌عنوان مزیت نسبی بسیار مهمی در اختیار دارد. در این میان

خاطرات سیاستمداران از بالاترین میزان چنین امتیازی برخوردار هستند. اهمیت این خاطره‌نویسی‌ها با گذشت زمان بیشتر هم می‌شود؛ زیرا هرچه بیشتر از وقایع فاصله می‌گیریم اهمیت روایت‌ها و ارتباط مستقیم و نزدیک راویان با آنچه که موضوع تاریخ است افزایش می‌یابد. مخاطبان سال‌های دور تاریخ حتما ترجیح می‌دهند که روایت جهان امروز ما را از زبان کسانی بشنوند که خود باگیران اصلی امروز صحنه سیاست جهانند، نه افراد صرفا ناظر بی‌رونی که در این عصر زندگی می‌کند. این خاطرات برای معاصران نیز نکات جدید و ناگفته زیادی دارد، چه‌رسد به مخاطبانی که سال‌های دور می‌خواهند از تاریخ امروز ما بشنوند.

فرهنگ مشترک سیاستمداران آمریکایی

باتوجه‌به آنچه گفته‌شد چندان جای تعجب‌ندارد که شاهد اهمیت‌و جایگاه بسیار بالای تاریخ شفاهی در فرهنگ سیاسی ایالات متحده باشیم. در آمریکا نهاد‌های گوناگون خصوصی و دولتی‌ای وجود دارند که ماموریت دارند تا خاطرات افراد گوناگون از مردم عادی تا سیاستمداران سطح بالا را ثبت کنند و برای تاریخ به یادگار بگذارند. علاوه‌بر این در بین خود سیاستمداران آمریکایی نیز فرهنگ ثبت و انتشار خاطرات دوران مسئولیت به‌شدت رواج دارد و تقریبا به یک رسم ناخوشته تبدیل شده است. این روایت‌ها در سرتاسر دنیا مشتری دارند و بلافاصله پس از انتشار با استقبال گسترده مخاطبان مواجه می‌شوند و البته به یکی از مراجع معتبر برای روایت اتفاقاتی که در دوره تصدی آن مسئول رخ داده تبدیل می‌شوند. برای آنکه به‌میزان اهمیت و گستردگی این فرهنگ در بین سیاستمداران آمریکایی بی‌بریم در ادامه به چند مورد از کتاب‌های مهمی که تنها طی چند سال گذشته منتشر شده‌اند اشاره می‌کنیم.

«سرزمین موعود» باراک اوباما شاید در صدر لیست مهم‌ترین کتاب‌های سیاسی چند سال گذشته قرار داشته باشد. او خاطرات هشت سال ریاست جمهوری‌اش را در این کتاب به‌نگارش درآورده است. جلد اول ۸۰۰ صفحه‌ای این کتاب در سال ۲۰۲۰ منتشر شد و فعالیت‌های سیاسی او از ابتدا تا زمان اواخر دولت اولش را پوشش می‌دهد. او همچنین نسخه صوتی ۲۹ ساعته این کتاب را هم با صدای خودش ضبط کرده و به

سیاست

در کتاب تازه انتشار یافته وزیر خارجه سابق آمریکا از زندگی زیر سایه جنایت فرودگاه بغداد جزئیات جدیدی رونمایی شده است

پمپئو می‌ترسد

انتشار رسانه است. اینکه یک رئیس جمهور آمریکا تنها ۴ سال پس از پایان دولتش چنین اهمتامی به ضبط و انتشار خاطرات دوران مسئولیتش داشته باشد حاکی از اهمیت بسیار بالای تاریخ شفاهی برای سیاستمداران آمریکایی است. هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه دولت اول اوباما و همسر بیل کلینتون، رئیس جمهور سابق آمریکا نیز یکی از سیاستمداران مهمی است که در سال‌های گذشته کتاب‌های خاطرات مهمی را به نگارش درآورده است. او تنها یک سال پس از پایان مسئولیتش در وزارت خارجه خاطرات دوران وزارت خود را در کتاب «انتخاب‌های سخت» به چاپ رساند و یک سال پس از شکست در انتخابات ۲۰۱۶ شرح کاملی از این انتخابات را در کتاب پرفروش «آنچه اتفاق افتاد» ارائه داد.

جان بولتون، مشاور امنیت ملی دولت ترامپ نیز با اینکه تنها حدود ۴۰۰ روز تصدی این سمت بود کتاب خاطرات مفصلی از دوران مسئولیتش در سال ۲۰۲۰ به چاپ رساند. گرچه نمی‌توان منکر وجود انگیزه‌های سیاسی و حتی مالی در پس انتشار چنین کتاب‌هایی ش‌د اما اهمیت تاریخ شفاهی نیز حتما بخش مهمی از این انگیزه‌ها را تشکیل می‌دهد.

اوضاع فاجعه‌بار تاریخ شفاهی در ایران

پس از ذکر تنها چند مورد از کتاب‌های مهم تاریخ شفاهی سیاستمداران آمریکایی بی‌بریم در ادامه به چند مورد از کتاب‌های مهمی که تنها طی چند سال گذشته منتشر شده‌اند اشاره می‌کنیم. «سرزمین موعود» باراک اوباما شاید در صدر لیست مهم‌ترین کتاب‌های سیاسی چند سال گذشته قرار داشته باشد. او خاطرات هشت سال ریاست جمهوری‌اش را در این کتاب به‌نگارش درآورده است. جلد اول ۸۰۰ صفحه‌ای این کتاب در سال ۲۰۲۰ منتشر شد و فعالیت‌های سیاسی او از ابتدا تا زمان اواخر دولت اولش را پوشش می‌دهد. او همچنین نسخه صوتی ۲۹ ساعته این کتاب را هم با صدای خودش ضبط کرده و به

ماجرای شهادت حاج قاسم؛ ترس ابدی درون خاک آمریکا

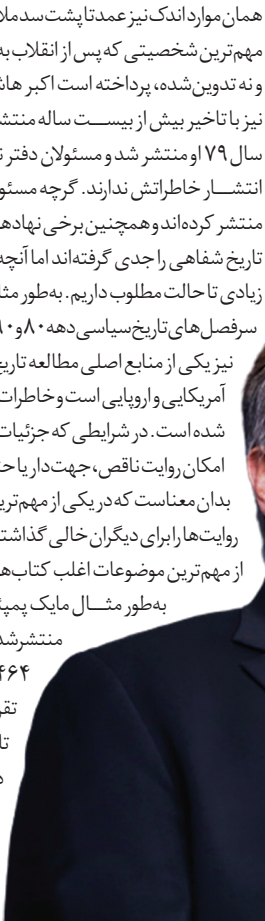
ما او و ایران را در صورت هرگونه حمله به منافع آمریکا در عراق توسط نیروهای تحت کنترلش مجازات خواهیم کرد.
او برای اینکه نقش خود را پررنگ جلوه دهد، ادامه می‌دهد: «اگر یکی از مقامات دولت قبلی این را می‌گفت احتمالا یک جمله بیپهوه تلقی می‌شد، اما این بار متفاوت بود. درواقع من داشتم یک تغییر گسترده در خط‌مشی آمریکا را اعلام می‌کردم.»
این تغییر سیاست -خارج از اینکه ابتکار و تصمیم چه کسی بوده- همان اتفاقی است که منجر به ارتکاب جنایت فرودگاه بغداد توسط آمریکایی‌ها شد و سرانجام شهید سلیمانی، ابومهدی مهندس و همراهان شان قربانی جنایت تروریست‌های دولت آمریکا شدند. اما این پایان ماجرا برای این تروریست‌ها نیست. پمپئو خودش نیز اعتراف می‌کند که با گذشت سه‌سال از شهادت سردار سلیمانی، همچنان از ترس انتقام ایران در شرایطی کاملا امنیتی زندگی می‌کند. تا همین امروز رژیم ایران همچنان تشنه انتقام از ما به خاطر کشتن فرمانده محبوبش است.
ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران اعلام کرده است: «اگر ترامپ و پمپئو به جرم اقدام جنایتکارانه ترور سردار سلیمانی در دادگاهی عادلانه محاکمه نشوند مسلمانان انتقام شهید ما را خواهند گرفت.» فرمانده نیروی دریایی سپاه نیز اظهار داشته است: «مقام معظم‌رهبری بر انتقام تاکید کرده‌اند» و فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز گفته است: «انتقام اجتناب‌ناپذیر

ادبیات تند علیه چین؛ تنش بالا می‌گیرد

«درحالی‌که بر مقامات دولت آمریکا چندان پوششیده نبود که این بنای دیپلماتیک یک لانه جاسوسی است، بستن آن را مصادف با بروز پیامد‌های جدی‌ای می‌دانستند. تیم‌هایم به من می‌گفتند چه کسی می‌داند واکنش چین چه خواهد بود؟ آنها دستکم یکی از کنسولگری‌های ما را می‌بندند، شاید هم همه آنها را. ممکن است از دادن ویزا به همه مقامات دولتی اجتناب کنند. ما نمی‌توانیم چنین ریسکی کنیم.»
بااین حال پمپئو این تصمیم را اجرایی کرد و در ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۰ اعلام شد که چین ۷۲ ساعت فرصت دارد کنسولگری هیوستون را تخلیه کند. اقدامی که البته چین نیز با بستن کنسولگری آمریکا در کشورش تلافی کرد. پمپئو البته با افتخار لیستی از تشدید تنش‌ها با چین ارائه کرده و می‌گوید امیدوار بود که بتواند مجوز بستن کنسولگری‌های بیشتری را از رئیس‌جمهور بگیرد. او البته معتقد بود این اقداماتش باعث ایجاد توازن قوا می‌شود: «امیدوار بودم بتوانم رئیس‌جمهور را متقاعد سازم که اجازه بستن کنسولگری‌های بیشتری را به من بدهد، من به‌عنوان یک سبیلی متقابل، بلکه به دلیل عدم توازن بسیار شدید بین توانایی عملیاتی چین در اینجا و آمریکا در داخل چین، که هنوز هم وجود دارد. نباید بگذاریم این عدم توازن ادامه یابد.»

اختلافات درون آمریکا؛ دیوانه‌ای مثل ترامپ

مدتی طولانی از اعزام سربازان امتناع می‌کرد. می‌گفت مطمئن نیستم که رئیس‌جمهور زیرپای آنها را خالی نکند. روزی که متیس برای استعفا یا اخراج _بسته به اینکه از کدام طرف بیرسید_ وزیر دفاع سفید رفت، برای ملاقات من به وزارت خارجه آمد؛ «مایکل، تو باید بمانی، تو آخرین کسی هستی که سرپا مانده... تو تنها عضو تیم امنیت ملی هستی که او به حرفش گوش می‌دهد و تو می‌دانی با چه زبانی با او حرف بزنی. متاسفم که نمی‌توانم بمانم، اما دیگر نتوان وادار کردن این پیرمرد به گوش دادن حرف‌هایم را ندارم.»
اخلاق‌های خاص ترامپ اما تنها مشکل کاخ سفید در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ نبود. کارکردن در وزارت خارجه و پیاده‌سازی برنامه مدنظر پمپئو در وزارتخانه‌ای که بیشتر اعضای ارشد آن دموکرات بودند و طرفدار کلینتون به مشکلات اضافه کرده بود. پمپئو در این رابطه می‌رسد که او چندان نیز موافق لحظه‌ای که هیلاری کلینتون انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ را باخت، تبدیل به عزازخانه شد. وزارتخانه به‌ویژه با ایده رئیس‌جمهور مبنی‌بر آمادگی‌اش برای خروج از توافق



همان مواردند که نیز عمدتاً پشت‌سد ملاحظات سیاسی و امنیتی گیر می‌کنند. شاید مهم‌ترین شخصیتی که پس از انقلاب به انتشار خاطرات خود، آن‌هم به‌صورت روزمره و نه تدوین‌شده، پرداخته است اکبر هاشمی‌رفسنجانی است. البته همین خاطرات نیز با تاخیر بیش از بیست ساله منتشر می‌شوند. چند ماه پیش به تازگی خاطرات سال ۷۹ او منتشر شد و مسئولان دفتر نشر آثار او نیز تصدی مبنی‌بر افزایش سرعت انتشار خاطراتش ندارند. گرچه مسئولان ارشد و میانی دیگری نیز خاطرات خود را منتشر کرده‌اند و همچنین برخی نهاد‌های رسمی هم در سال‌های گذشته پروژه‌های تاریخ شفاهی را جدی گرفته‌اند اما آنچه که مشخص شده این است که فاصله بسیار زیادی تا حالت مطلوب داریم. به‌طور مثال قضیه مذاکرات هسته‌ای یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های تاریخ‌سیاسی دهه ۸۰ و ۹۰ ایران به‌حساب می‌آید، اما حتی برای ایرانی‌ها نیز یکی از منابع اصلی مطالعه تاریخ و جزئیات مذاکرات خاطرات سیاستمداران آمریکایی و اروپایی است و خاطرات بسیار کمی از مذاکره‌کنندگان ایرانی منتشر شده است. در شرایطی که جزئیات مذاکرات هسته‌ای همیشه محرمانه بوده‌اند امکان روایت ناقص، جهت‌دار یا حتی غلط توسط راویان مختلف وجود دارد. این بدان معناست که در یکی از مهم‌ترین موضوعات تاریخی کشورمان میدان جنگ روایت‌ها برای دیگران خالی گذاشته‌ایم. این در حالی است که ایران همیشه یکی از مهم‌ترین موضوعات اغلب کتاب‌های خاطرات سیاستمداران غربی بوده است. به‌طور مثال مایک پمپئو که در ادامه بخش‌های مهمی از کتاب تازه منتشرشده‌اش را مرور می‌کنیم، حدود ۴۴۰ بار در کتاب ۴۶۴ صفحه‌ای‌اش نام ایران را برده است. یعنی تقریباً در هر صفحه یک‌بار! اگر به‌غفلت از توجه به تاریخ شفاهی سیاستمداران ادامه‌دهیم چه‌بسا در سال‌های نه‌چندان دور، حتی خود ایرانیان نیز تاریخ سیاسی کشور خود را در لابه‌لای سطور و ورق‌های کتاب‌های سیاستمداران غربی جست‌وجو کنند.

است و زمان و مکان انتقام را با تعیین خواهیم کرد... همه عوامان ترور شهید سلیمانی قطعا در این دنیا به سزای عمل کیفشان خواهند رسید.»
او گرچه تلاش کرده ترور سردار سلیمانی را برای آمریکا کم‌هزینه جلوه دهد اما خودش اعتراف می‌کند که به علت گستردگی توانایی‌های ایران حتی خانواده‌اش نیز به‌شدت تحت اثر شرایط امنیتی ناشی از ترس انتقام ایرانی‌ها زندگی می‌کنند و اجازه رفتن به سوپرمارکت هم بدون هماهنگی با نیروهای امنیتی ندارند. اما از قابلیت ایران برای انجام عملیات در داخل ایالات متحده آگاهیم، لذا با گذشت یک‌سال و نیم از پایان خدمتم در دولت هنسوز احتیاط‌های امنیتی را حفظ کرده‌ام. رفتن به خواربارفروشی؟ امنیت دیپلماتیک ایجاب می‌کند هم‌زمان با اینکه دنبال رسیده‌ترین بادمجان می‌گردم به فکر امنیت خودم نیز باشم. آرایشگاه رفتن سوزان؟ «همسر پمپئو» نیاید امیدوار باشیم که عوامل مخفی حزب‌الله آرایشگاه را محاصره نکنند. مراسم ازدواج پسرم؟ لازم است تا ما موران امنیتی از قبل یک تیم به کلیسا بفرستند. هر روز برای همه فعالیت‌های من و خانواده‌ام از قبل برنامه‌ریزی می‌شود و با افرادی که کت‌وشلوار و عینک آفتابی پوشیده‌اند هماهنگ می‌شویم. یک بار به خاطر گزندی‌های امنیتی روز پسرم بسیار خراب شد، احتمالا دیگر هرگز امکان رانندگی با ماشین شخصی خودم را نخواهم داشت و هرگز از آن حرم خصوصی سابقم بفرم مند نخواهم بود.»

از پشت صحنه مذاکرات چه می‌گوید

«در اجلاس گروه هفت رهبران جهان در اوت ۲۰۱۹، مکرون طرحی مبنی‌بر پیشنهاد شیوه‌های بازرسی سرزده و کاهش سطح‌غنی‌سازی در مقابل لغوتقریبا کامل تحریم‌های ایران ارائه کرده بود. مکرون فکر می‌کرد می‌تواند رئیس‌جمهور را به این «موافقت» متقاعد کند. اما من و بولتون با کمک نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل روی ختنی‌سازی نقشه مکرون کار کردیم... بااین حال مکرون از پای ننشست. او هفته‌های منتهی به مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۱۹ را صرف میانجیگری برای ملاقات ترامپ و رئیس‌جمهور ایران حسن روحانی کرد. من و بولتون معتقد بودیم این دیوانگانه محض است.»
رئیس‌جمهور فرانسه با این وجود و به این میانجیگری ادامه داد: «مکرون قبل از گردهمایی با رئیس‌جمهور تماس گرفت و مدعی شد که امکان دیدار با روحانی وجود دارد اما رئیس‌جمهور ترامپ ابتدا باید قبل از این نشست درخواست روحانی مبنی‌بر اعضای سندسندی خاص را اجابت کند. به‌خاطر می‌آورم که رئیس‌جمهور گفت آن چیز لعنتی‌را امضا نمی‌کند. مکرون گفت اگر امضایی در کار نباشد، ملاقات نیز برگزار نمی‌شود.»
ادامه پیگیری‌های رئیس‌جمهور فرانسه نیز به نتیجه‌ای نمی‌رسد و نهایتا ترامپ در پاسخ به او می‌گوید: «... به اداره کشور خودتان برسید و گرنه حلیقه‌زده‌ها این کار را خواهند کرد.»
بولتون نیز البته در کتاب خاطرات خود به مخالفت با مذاکره با ایران اشاره می‌کند و می‌گوید او و پمپئو یک عهد محرمانه بسته بودند که اگر رئیس‌جمهور ترامپ با ظرف وزیر امور خارجه ایران ملاقات کند، هم‌زمان استعفا بدهند. ادعایی که البته پمپئو آن را تایید یا رد نمی‌کند.

با ایران و دیگر وسواس‌های سازمانی مخالف بود. پمپئو وزارت امور خارجه را در دوران ریاستش بر سیا این‌طور توصیف می‌کرد: «می‌دیدم که این یک تشکیلات پرنفص منغلل پرخاشگر است که طبق نظر یک گروه اداره می‌شود. آنها به دلایل متعدد از رئیس‌جمهور ترامپ بیزار بودند.»
این اختلافات حتی در کوچک‌ترین اقدامات اصلاحی در وزارت خارجه خودش را نشان می‌داد. وقتی پمپئو بیانیه‌ای تحت عنوان اصول اخلاق حرفه‌ای را تدوین و در ساختمان وزارت خارجه نصب کرد مخالفت‌هایی با آن نیز ابراز شد. او این ماجرا را این‌طور روایت می‌کند: «مخالفت با این بیانیه فرارحزبی حیرت‌انگیز بود. ما دریافتیم که برای فرهنگ‌سازی در سازمانی می‌کوشیم که پذیرایش نیست. این وزارتخانه اساسا با ارائه هر ایده اصلاحات‌گرایانه‌ای از سوی دولت شیطان صفت ترامپ خصومت داشت. من و پمپئو با این وزارتخانه، پیش از آغاز فعالیت رسمی دولت بایدن در ۲۰ ژانویه ۲۰۲۱، پلاکاردهای بزرگ اصول اخلاق حرفه‌ای را از دیوار لابی دفتر مرکزی وزارت خارجه پایین کشید.»